

سر مقاله

در آمدی بر اهمیت نهادها و روش تحلیل نهادی

نهاد چیست و چگونه زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ نقش نهاد در تحلیلهای نئوکلاسیک چیست و چرا رویکردهای نظری دیگر اقتصاد نئوکلاسیک را از نظر بی‌توجهی به نهادها مورد انتقاد قرار می‌دهند؟ آیا مفروض گرفتن نهادها باعث می‌شود اقتصاد نئوکلاسیک چیز مهمی را از دست بدهد؟ اگر نهادها را در زندگی روزمره با اهمیت تلقی کنیم، آیا به قوت تجزیه و تحلیلهای ما افزوده می‌شود؟

سؤالهای فوق بسیار مهم است؛ به نحوی که در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از اقتصاددانان و دانشمندان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده و مقالات بسیاری در این باره نوشته شده است و به تدریج مبانی آن به صورت کتابهای درسی در حال تنظیم است.

علاوه بر این، در سالهای اخیر دانشمندان بسیاری به طور مستقیم و غیرمستقیم به دلیل توجه به نهادها مفتخر به دریافت جایزه نوبل و جوایز دیگر شده‌اند و به این طریق توجه جامعه علمی به تحلیلهای نهادی اعلام شده است. آیا توجه به نهادها دستاورد ویژه‌ای داشته است که این گونه جلب توجه کرده است؟ در این مجال به اختصار در این باره بحث می‌شود. برای این منظور، می‌توان از مثال زیر بهره برد.

فرض کنید دو اتومبیل در یک جاده و در یک جهت در حرکتند. کدام یک از دیگری پیش می‌افتد؟ پاسخ این سؤال بدیهی است: هر کدام که سرعت بیشتری داشته باشد. هر راننده که بتواند با سرعت بیشتری براند می‌تواند از دیگری جلو بیفتد. عبارت اخیر یک نظریه است که بین سرعت اتومبیل و پیش افتادن در مسیر رابطه‌ای برقرار کرده است و ما می‌توانیم با استناد به آن پیش‌بینی کنیم که اگر سرعت اتومبیلی بیشتر باشد زودتر به مقصد می‌رسد.

اما باید توجه داشت که این نظریه مبتنی بر فرضهای زیادی است. مثلاً وقتی اتومبیلی که سرعتش زیاد است به پشت اتومبیل دیگر می‌رسد و می‌خواهد از آن سبقت بگیرد باید بتواند به طور همزمان محاسبات متعددی را انجام دهد. سرعت اتومبیل جلویی، سرعت اتومبیلی که از روبرو می‌آید، انحنای جاده، اتومبیلی که احیاناً ممکن است از پشت سر بیاید و سرعت مناسب برای سبقت گرفتن از جمله این محاسبات است. البته راننده همه این محاسبات را یک به یک انجام نمی‌دهد، بلکه بر اساس تجربه می‌داند که کی و چگونه باید سبقت بگیرد و در واقع این محاسبات در ذهن او نهادینه است.

نظریه بالا فرض کرده است که راننده مذکور به قدری باتجربه است که می‌تواند در یک لحظه تمام محاسبات لازم را انجام دهد و تمام عوامل دخیل را لحاظ کند و از اتومبیل دیگر سبقت بگیرد. در واقع، تجربه راننده و قدرت محاسبه‌اش در این نظریه مفروض است. برای مثال دیگر، اگر جاده مه‌آلود باشد یا در اثر حادثه‌ای قسمتی از جاده خراب شده باشد، آنگاه ممکن است اتومبیل پرسرعت نتواند در زمان مناسب جلوی خودش را ببیند و یا از خرابی جاده مطلع شود و با احتیاط از آن بگذرد. لذا، تنها در صورتی اتومبیل پرسرعت زودتر به مقصد می‌رسد که هوا مه‌آلود و جاده خراب نباشد. در واقع، اینها مفروضات نظریه ما است. اگر مفروضات برقرار باشد، پیش‌بینی نظریه ما محقق خواهد شد و اگر به هر دلیلی برقرار نباشند، ممکن است عکس نظریه رخ دهد. در واقع، سازگاری نظریه ما با وقایع دنیای خارج از ذهن ما، بستگی به وجود نهادهایی دارد که ما آنها را مفروض تلقی کرده‌ایم. چون ما فرض کرده‌ایم جاده خراب نیست، هوا مه‌آلود نیست، همه رانندگان با تجربه‌اند و ... می‌توانیم این نظریه را هم برای کشورهای اروپایی، هم برای کشورهای آسیایی به کار ببریم. ما یک نظریه جهانشمول داریم. بنابراین، ما نظریه‌ای قدرتمند داریم که در تمام زمانها و مکانها قابل کاربرد است، همان‌طور که در همه زمانها و مکانها، دوی ضرب در دو می‌شود چهار.

اگر بعضی یا همه مفروضات ما صادق نباشد چه اتفاقی می‌افتد؟ تحلیلهای ما که مبتنی بر آن نظریه است اشتباه از آب درمی‌آید و غلط پیش‌بینی می‌کند. چه بسا، در جاده خراب (مثلاً، جاده‌ای که پل آن منهدم شده است) اتومبیل پرسرعت هیچگاه به مقصد نرسد. لذا، در کاربرد نظریه باید متوجه باشیم که نظریه در چه فضایی و با چه مفروضات نهادی‌ای ترسیم شده است.

اگر نهادها وجود نداشته، پیش‌بینی‌ها دچار مشکل می‌شود و وقایع به ترتیب دیگری رخ می‌دهد. در شرایطی که چارچوب نهادی کامل نیست، نهادها در تحلیلهای اقتصادی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا تنها با توجه به آنها می‌توان تحلیلهای درست ارائه کرد.

اقتصاد نئوکلاسیک هم مبتنی بر یک چارچوب نهادی مفروض است و نقطه قوت آن هم این است که اگر چارچوب نهادی مذکور وجود داشته باشد، در تمام زمانها و مکانها برقرار است. در عین حال، نقطه ضعف آن هم این است که اگر چارچوب نهادی مذکور وجود نداشته باشد، نه تنها نمی‌تواند پیش‌بینی‌های درستی ارائه کند، بلکه توانایی ردیابی مشکلات را هم ندارد؛ یعنی نمی‌تواند به ما بگوید که فقدان کدام نهادها باعث عدم صدق پیش‌بینی‌ها شده است.

برای اینکه بتوانیم تحلیلهای بهتری از واقعیت داشته باشیم و توصیه‌های سیاستی مناسبتری ارائه کنیم باید نهادهای مفروض در نظریه نئوکلاسیک را بهتر بشناسیم. از این جهت، نهادها نقش مهمی در تحلیلهای نظری پیدا می‌کنند و برای درک بهتر مسائل گریزی از درک نهادها وجود ندارد. از این رو، نهادگرایان (اعم از قدیم و جدید) نهادها را مهم تلقی کرده‌اند.

پس از مشخص شدن اهمیت نهادها، نکته مهم این است که نهادها را چگونه می‌توان وارد تحلیلهای خود و از آنها بهره برد؟ در پاسخ به این سؤال، منتقدان نهادگرایی اقتصاد نئوکلاسیک به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. یک دسته معتقدند که نهادها مستعد تجزیه و تحلیل اقتصادی هستند. یعنی، می‌توان وجود یا عدم وجود نهادها و شکل‌گیری و تغییرات آنها را با استفاده از جعبه ابزار نئوکلاسیکی تجزیه و تحلیل کرد. برای مثال، گفته می‌شود اقتصاد نئوکلاسیک دولت را نهادی می‌داند که از علم و قدرت لازم برخوردار است و در جهت خیر عمومی حرکت می‌کند؛ لذا هر جا بازار - که ماحصل کنشهای نفع طلبانه فردی است - از حداکثرسازی رفاه اجتماعی عاجز شد دولت آن را تشخیص می‌دهد، برای رفع آن با قدرت اقدام می‌کند و خیر عمومی را به ارمغان می‌آورد. محققین مکتب انتخاب عمومی برآنند که افرادی که در بازار دنبال نفع شخصی خویشند، دلیلی ندارد که وقتی وارد دولت می‌شوند خیرخواه و جوینده نفع عمومی شوند. این نوع برخورد با دولت در نظریه اقتصادی (نئوکلاسیک) ناسازگاری ایجاد می‌کند. برای رفع این ناسازگاری باید فرض کرد که افراد در درون دولت هم، نفع خویش را می‌جویند، همانطور که در بازار. یعنی نظریه اقتصادی در بازار مسائل را با فرض پیگیری نفع شخصی تحلیل می‌کند، در دولت نیز باید با همین فرض عمل کند و در واقع برای تحلیل روابط در درون دولت از ابزار اقتصادی خود - که ریشه در نفع شخصی دارد - استفاده کند.

رویکردهایی که مانند رهیافت انتخاب عمومی قائل به استفاده از ابزار اقتصادی برای تحلیل نهادها هستند، در زمره نهادگرایان جدید قرار می‌گیرند. نهادگرایان جدید با وجود اینکه به اقتصاد نئوکلاسیک به دلیل بی‌توجهی به نهادها منتقدند، به دلیل استفاده از ابزار اقتصادی برای تحلیل نهادها و پابندی به فردگرایی روش شناختی، بسط دهنده اقتصاد نئوکلاسیک تلقی می‌شوند و در زمره اقتصاددانان جریان اصلی علم اقتصاد قرار می‌گیرند. افرادی چون رونالد

کوز، داگلاس نورث، الیور ویلیامسن، جیمز بوکانن، هارولد دمستز، آرمن آلچیان، ریچارد نلسون و گری بکر از جمله اقتصاددانانی هستند که در این دسته‌بندی جای می‌گیرند. اقتصاددانان اخیر با ابزار اقتصادی به مطالعه تاریخ، حقوق، سیاست، سازمان، خانواده و غیره می‌پردازند. کسانی که به این طریق مطالعات بین رشته‌ای را سامان می‌دهند اصطلاحاً در فاز امپریالیستی علم اقتصاد جای می‌گیرند.

در مقابل، اقتصاددانان دیگری وجود دارند که این نوع برخورد با نهادها و سایر علوم را نمی‌پذیرند، به این شکل حدی قائل به فردگرایی روش شناختی نیستند و در نتیجه نظریه اقتصادی را در شکل نئوکلاسیک و جهانشمولش نمی‌پسندند. از این رو، به شدت از طرف اقتصاددانان جریان اصلی (اعم از نئوکلاسیکها و نهادگرایان جدید) مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. مثلاً رونالد کوز می‌گوید خطر نهادگرایی که به نظریه اقتصادی توجه ندارند کمتر از نئوکلاسیکها نیست که به واقعیتهای اقتصادی امعان نظر ندارند. وی در جای دیگر می‌گوید نهادگرایان قدیم چیزی ندارند جز مشتی از مشاهدات که این مشاهدات یا باید با یک نظریه سازماندهی شوند و یا باید نصیب آتش شوند. دیگران نیز اظهارنظرهای مشابهی داشته‌اند.

نهادگرایان قدیم اعتقاد محکمی به فردگرایی روش شناختی ندارند و معتقدند همان‌طور که کنش فردی ساختارها و نهادها را متأثر می‌سازد، ساختارها و نهادها نیز کنش فردی را متأثر می‌کند و رفتارهای فردی تنها تعیین‌کننده مسیر حرکت اقتصادی جامعه نیست. این دسته از اقتصاددانان به جای استفاده از جعبه ابزار نئوکلاسیکی، با استفاده از یک سری مفاهیم و پندارهای پیشین برای تجزیه و تحلیل پدیده‌ها الگوهایی نظری می‌سازند و به صورت علی از معلولها به سمت شناسایی علتها حرکت می‌کنند. طبیعی است که با این روش نظریه جهانشمول تولید نمی‌شود و شناخت هر پدیده مطالعه جداگانه‌ای می‌طلبد و به راه‌حلهای متمایزی نیز ختم می‌شود. لذا، این دسته از اقتصاددانان می‌پذیرند که مانند اقتصاددانان نئوکلاسیک نظریه‌ای جهانشمول ندارند، ولی این را نه تنها ضعف خود نمی‌دانند، بلکه آن را ضعف نئوکلاسیکها می‌دانند که می‌خواهند یک پیراهن واحد را به تن همه مردم بپوشانند. نهادگرایان قدیم معتقدند که ما را از آن جهت ضد نظریه می‌خوانند، که نظریه را در دایره تنگی جای داده‌اند. اگر نظریه در معنای وسیع آن در نظر گرفته شود، نهادگرایان قدیم هم صاحب نظریه‌اند، نظریه‌ای انعطاف پذیرتر از نظریه نئوکلاسیک.

بحث در مورد نهادگرایی بسیار زیاد است. امید می‌رود این نشریه بخشی از مباحث آن را پوشش دهد و قوت و ضعفهای آن را بنماید. در اینجا ذکر یک نکته مهم الزامی به نظر می‌رسد. از وقتی که نهادگرایی مطرح شده است، در ایران سه دسته کلی از افراد پدیدار شده‌اند. یک عده طرفداران پروپا قرص اقتصاد نئوکلاسیک که تلاش دارند نهادگرایی

(بالاخص نهادگرایی جدید) را مصادره به مطلوب کنند، به نحوی که گویی نهادگرایان جدید از نظر تحلیل و توصیه‌های سیاستی هیچ تفاوتی با آنها ندارند. عده دیگری وجود دارند که اقتصاد نئوکلاسیک را قبول ندارند و یا گاهی آن را درست متوجه نشده‌اند و فقط برای اینکه حرفی برای گفتن داشته باشند، بدون مطالعه داعیه‌دار آن شده‌اند. هر دو رویکرد اخیر، برای مباحث علمی و روحیه حق طلبی همچون زهر است و متأسفانه در جامعه (به اصطلاح) علمی ما رواج بسیار دارد. البته این مسأله ریشه‌های زیادی دارد. کمبود مطالعه و علائق سیاسی اقتصاددانان از جمله آنهاست. در مقابل اینها رویکرد سومی وجود دارد که با تشخیص نقصهای اقتصاد نئوکلاسیک در صدد رفع ضعفهای آن هستند و آنچه برایشان حائز اهمیت است درک بهتر مسائل است، فارغ از هرگونه تعصب. اینها با نهادگرایی چنین برخورد می‌کنند. امیدوارم ما هم بتوانیم از دسته اخیر برخورد علمی را بیاموزیم و سر خودمان را کلاه نگذاریم.

نکته دیگری که در تحلیلهای علمی می‌تواند مفید باشد این است که به جای پذیرش مطلق یک نظریه و رد سایر نظریه‌ها، مسأله تحقیق خودمان را مشخص کنیم و برای پاسخ دادن به آن از رویکردهای نظری مختلف به نحو مقتضی استفاده کنیم. البته این کار به معنای خلط ساحت‌های نظری نیست. اتفاقاً در تحلیلهای باید تفاوت و تشابه نظریه‌های بدیل را بشناسیم و دقیقاً بدانیم در کدام ساحت نظری قرار داریم و از رهنمود آن برای مسأله خود استفاده کنیم.

عذرخواهی

به دلیل نوپایی نشریه بعضاً مشاهده شده است که بعضی مقالات دچار غلط‌های ویرایشی است. مخصوصاً در شماره قبلی، در مقاله‌ای این اشتباه رخ داد که به جد از نویسندگان مقاله و همچنین خوانندگان آن بابت این غفلت خود عذرخواهی می‌کنیم.

تشکر و قدردانی

شماره دهم تکاپو به بحث «اقتصاد منابع» اختصاص داشت. بالطبع، برای پوشش دادن بحث به کمک تخصصی احتیاج داشتیم. این وظیفه را دوستان عزیزمان جناب آقای توحید فیروزان، دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس، و آقای محمد مهدی فرسیابی، فارغ‌التحصیل اقتصاد انرژی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران بر عهده گرفتند و در نقش سردبیر نشریه ایفای نقش کردند، که متأسفانه به سهو از ذکر نام آنها در شماره پیش غفلت شد.

در اینجا مراتب قدردانی خود را از ایشان اعلام می‌داریم.

همچنین لازم است که از جناب آقای هادی ... داد که در چند شماره اخیر نشریه زحمت امور اجرایی و هماهنگی را برعهده داشته‌اند، و تلاش خوبی برای بهبود کیفیت نشریه کرده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم.

علی نصیری اقدم